



مسح

ل. م. عبد الله

فهرست

- | | |
|------|--------------|
| ۳ ص | احمد و مهدی |
| ۷ ص | بیره خدا |
| ۱۳ ص | کلام خدا |
| ۱۸ ص | قربانی خدا |
| ۲۶ ص | گنناہ |
| ۳۵ ص | پسر ابراهیم |
| ۴۴ ص | خدا واحد است |
| ۵۴ ص | خدا و انسان |

احمد و مهدی

احمد در اداره ای کار می کرد. او از محل کارش چندان هم ناراضی نبود. اما با رئیس بخش اختلاف داشت. زیرا با دقت مراقبش بود، بهمین دلیل احمد نمی توانست مهارت خودش را نشان دهد. و اگر آن بخش در اثر فعالیت کارمندان موقعیت خوبی بدست می آورد، رئیس بخش مایل بود که همیشه خودش مورد تمجید قرار گیرد. احمد چند بار تصمیم گرفته بود که شغلش را عوض کند. اما وضع بازار کار خوب نبود و مشکل بود که بتوان کاری مناسب تر را در آنوقت پیدا کرد. از طرفی حقوقی که می گرفت بیشتر از حقوق دیگر شغلها بود که احيانا می توانست پیدا نماید. از این رو احمد به کارش ادامه می داد، زیرا او برای تامین همسر و سه فرزندش احتیاج به پول داشت.

احمد به فرزنداناش خیلی افتخار می کرد.
مخصوصاً حسن پسر بزرگش که در دانشگاه
مهندسی می خواند.

یکی از روزها اتفاقی افتاد که باعث گردید
اوضاع محل کارش تغییر نموده و بهتر شود
و آن اتفاق این بود که در همان بخشی که
احمد کار می کرد شخصی بنام مهدی
مشغول بکار شد. مهدی کمی جوان تر از
احمد بود، او غالباً خوشحال و خندان بود،
بالاخره احمد دوستی در محل کارش یافت. و
آن دوست مهدی بود. دوستی آنها از آنجا
شروع شد که روزی ناهار را با هم خوردند،
آنها بعد از کار نیز همدیگر را ملاقات می
کردند. مهدی نیز مانند احمد متاهل بود، و
خدا او را برکت داده بود و دو پسر و دو
دختر داشت.

احمد و مهدی با یکدیگر دوست صمیمی
شدند. اغلب به منزل همدیگر می رفتند.

آنها دوست داشتند که بنشینند و چای نوشیده و گفتگو کنند. معمولا ساعتها می گذشت و آنها در باره موضوعات مختلف به گفتگو می پرداختند. در اوایل گفتگوهای آنها بیشتر در باره کار در اداره بود. اما با گذشت زمان درباره مسائل مهم زندگی با یکدیگر صحبت می کردند، هر دو نفرشان خیلی متدین بودند. ولی هر دو يك اعتقاد نداشتند. احمد مسلمان بود در حالی که بهترین دوستش مهدی غالبا کتاب مقدس می خواند. و یکی از پیروان مسیح بود.

آنچه که موجب تعجب احمد شده این بود که هر چه مهدی را بیشتر می شناخت برای ایمان و زندگیش در مشارکت با خدا بیشتر احترام قائل می شد، احمد کم کم متوجه شد که دوستش به خدا خیلی نزدیک است و این طریق، یعنی به خدا نزدیک بودن را، تا آنوقت نمی شناخت و همین مسئله باعث کنجکاوی وی شد. او فکر کرد که مطمئنا

زندگی مهدی با خدا در رابطه با مسیح است. احمد نیز معتقد به مسیح بود. اما نه بدانگونه که مهدی اعتقاد داشت. او بتمام چیزهائی که در قرآن درباره عیسی ابن مریم نوشته شده ایمان نداشت. احمد عمیقا برای مسیح احترام قائل بود. او می دانست که مسیح از مریم باکره زائیده شده ، و به اذن خدا معجزات زیادی نموده. و خداوند به او انجیل داده ، در عین حال احمد می دانست که تنها کمی از زندگی مسیح را می داند ، آنگاه بود که مایل گردید در باره این پیامبر بزرگ که دارای نامهای مختلف حتی در قرآن بود بیشتر اطلاع بدست آورد. روزی احمد از روی کنجکاوی تصمیم گرفت که از مهدی درباره مسیح سئوالاتی بکند. این تصمیم به گفتگوهای جالبی کشیده شد که می خوانید.

بـر ه خـدا

احمد مصرانه خواهش نموده گفت برايـم از عيسى بن مريم بگو. زيرا بسيار مايل هستم دربارـه او بيـشتر بدانم. مهدي لحظه اي فـكر كرد و گفت اگر مي خواهـي متوجه شوي چرا مسيح باين جهان آمد. بايد معنـاي مسـئله قرباني را درك كني. احمد با تعجب گفت. مسئله قرباني. منظـورت چيست؟

مهدي چنين ادامه داد كه ما معني قرباني را از عيد قربان مي فهميم. خودت مي داني هنگاميـكه خدا از حضرت ابراهيم خواست كه فرزند خود را قرباني نمايد، اگر خدا يك قرباني را بعنوان فديه نـمي فرستاد، چه اتفاقي براي فرزند ابراهيم مي افتاد؟

احمد جواب داد : اسماعيل كشته مي شد. مهدي گفت: در اينجاست كه ما يك قرباني

را می بینیم، یعنی گوسفندی را که فرستاد
 تا بجای فرزندش قربانی شود. مهدی اضافه
 نمود: من هم در همان وضعیتی می باشم که
 فرزند ابراهیم بود. زیرا من هم زیر سلطه
 مرگ هستم. احمد در حالی که شکفت زده
 شده بود گفت: منظورت چیست؟ مهدی با
 وقاری خاص جواب داد: در کتاب مقدس
 چنین نوشته: «زیرا هر که گناه کند،
 تنها دستمزدی که خواهد یافت، مرگ
 است.» (۱) پس مزد گناه من مرگ است. من
 يك گناهکارم. بلکه در نزد انسانها من شخص
 خیلی مذهبی هستم. من هر روز دعا می کنم،
 کتاب خدا را مطالعه می کنم. او را خدمت
 می کنم، اما در حضور خدا يك گناهکارم.

مهدی سنوال نمود: آیا بجز خدا کسی کامل
 است؟ احمد جواب داد: نه، هیچکس، فقط
 خدا کامل است. مهدی گفت: بنابراین در نزد
 خدا همه گناهکاریم. احمد با تأیید این
 مطلب گفت: بله، همینطور است. مهدی

گفت: من در همان وضعیتی قرار دارم که
فرزند ابراهیم بود، یعنی زیر سلطه مرگ.

بعد مهدی چنین سنوال نمود: اما قربانی
گناهان من کجاست؟ آیا خدا قربانی
نفرستاده که برای من فدیہ بشود؟ احمد نمی
دانست که چه جواب دهد. مهدی چنین ادامه
داد. یحیی تعمید دهنده که همزمان با مسیح
می زیست هنگامیکه برای نخستین بار
مسیح را دید چنین گفت: «نگاه کنید! این
همان بره ای است که خدا فرستاده تا
برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا
قربانی شود.» (۲) مسیح بره مهیا شده
توسط انسان نبود. او از جانب خدا آمد. او
از بالا بود. روح خدا (روح اله) بر مریم
باکره قرار گرفت. و او حامله شد و پسری
زائید. همانگونه که می دانی نام آن پسر
عیسی است. و او را عیسی بن مریم گویند.
او کلمه و روح خدا بود. او پاک بود، او از
آسمان بعنوان بره خدا آمد. مسیح نشان داد

که او بره خدا بود. او در مقابل خدا از يك زندگی پاک و کاملی برخوردار بود. عیسی هرگز احتیاج نداشت بگوید: ای خدای بزرگ مرا ببخش. زیرا او بره پاک خدا بود. اما از آنجایی که او بعنوان بره خدا آمد، تا گناه جهان را بردارد می بایست او خود قربانی بشود. و چنین شد او با رضایت زندگی خود را داد و بعد از مردگان برخاست و زنده به آسمان رفت، يك روز به جهان باز خواهد گشت.

مهدی کمی مکث نمود و به احمد نگاهی کرد و گفت: من در همان وضعیتی قرار دارم که فرزند ابراهیم قرار داشت. من هم محکوم به مرگ هستم. اما برای گناهان من يك قربانی یعنی مسیح، بره پاک خدا، وجود دارد. خدا توسط بره خود تمام گناهان ما را بخشیده و زندگی جاوید در بهشت بما ارزانی داشته، ای احمد، مسیح گناهان همه انسانها را بدوش کشید حتی گناهان تو را.

احمد کمی ساکت نشست و فکر نمود. بعد گفت: اگر مسیح گناه جهان را بدوش کشید. من احتیاج بمردن ندارم بنابراین من از قبل به زندگی ابدی دست یافته ام.

مهدی گفت: فرض کن روز تولدت است. و مسیح آمده و در منزل تو را می گوید. او هدیه ای با خود دارد و به تو می گوید: احمد می خواهم هدیه ای بگویم که شامل آمرزش تمام گناهانت می شود. یک زندگی جاوید و از همین امروز مشارکت شخصی با خدا خواهی داشت. اما شرایطی دارد. تو باید توبه کنی و به گناهانت اعتراف نموده و آمرزش را بوسیله قربانی من برای خود قبول کنی اگر تو هدیه را قبول کنی آنگاه متعلق به توست. در غیر آنصورت خیر.

احمد می اندیشید و شگفت زده شده بود و نمی دانست که چه بگوید. مهدی گفت: شاید فکر کنی که مثال عجیبی زدم. اما هر بار که

یکی از خادمان خداوند راه را بوسیله مسیح اعلام می کند مانند این است که عیسی زنده و برخاسته از مردگان، در حقیقت در منزل ما را می گوید: او خود در کتاب مقدس چنین می گوید: «اکنون در مقابل در ایستاده، در را می گویم هر که صدای مرا بشنود و در را بگشاید، داخل شده، یا او دوستی دائمی برقرار خواهد کرد، و او نیز با من.» (۲)

مهدی اضافه نمود: من در قلب خود را برای مسیح باز می کنم و او را دعوت می کنم که وارد زندگی من بشود. برای اینکه نان را با من پاره کند و در مشارکت با من سهیم شود. این مانند آن است که هدیه خداوند را قبول کنم. احمد گفت: می دانی مهدی، آنچه را که برایم از مسیح تعریف کردی مرا عمیقا تحت تاثیر قرار داد و من بوقت زیادتری احتیاج دارم تا به آنچه تو گفتی فکر کنم. میل دارم دفعه بعد که یکدیگر را

ملاقات می کنیم بیشتر راجع به مسیح
برایم بگویی. تا دیدار بعد خدا حافظ.

کلام خدا

احمد با کمی احتیاط شروع کرد و گفت:
آنچه که در ملاقات قبلیمان برایم از عیسی
بن مریم تعریف کردی باعث شد که مقداری
فکر کنم. امیدوارم که تو برداشت بد نکنی
اما من چند سؤال دارم که جواب آنها را
قبل از اینکه گفتگویمان را درباره مسیح
ادامه دهیم می خواهم. مهدی که حدس زده
بود برای احمد سنوالاتی پیش خواهد آمد
گفت: بله البته، بفرمائید.

احمد با احتیاط اینطور شروع کرد: می
دانی که ما مسلمانان به کتب آسمانی یعنی
تورات و زبور و انجیل و قران اعتقاد

داریم. از طرفی اینطور بمن یاد داده شده که تمام کتابها بجز قران، توسط یهودیان و مسیحیان تحریف شده و لذا مطالب این کتب دیگر قابل اطمینان نیستند. و کتب مقدس که تو به آن معتقد هستی تحریف شده و مخلوطی از حقیقت و دروغ می باشد. مهدی جواب داد: آیا می توانی مدارک تاریخی برای آنچه که می گویی ارائه بدهی؟

احمد بفکر فرو رفت و بعد بخاطر آورد که آنچه را که تاکنون درباره مسئله فوق شنیده بدون مدرک بوده. مهدی چنین ادامه داد: آیا می توانی برای من بگویی این تحریفاتی که ادعا می کنی در چه زمانی و چگونه بوده و آیا اصلا انجام آن ممکن بوده؟ احمد که کمی شوکه شده بود گفت: نه، هیچکس تاکنون بمن پاسخ مسائلی مانند مسئله فوق را نداده.

پس از کمی تأمل مهدی سؤال نمود: تو فکر می کنی امکان اینکه قرآن تحریف شده باشد وجود دارد؟ احمد گفت: استغفرالله! کاملاً غیر ممکن است. مومنین هرگز نمی پذیرند که کسی حتی اشاره ای هم به قرآن کرده باشد. مهدی جواب داد: چرا فکر می کنی که نظر ما درباره کتاب مقدس با نظر شما درباره قرآن فرق می کند؟ چگونه حتی می توانی فکر کنی که مومنین واقعی اجازه داده باشند که کسی در نوشته های مقدس دست برده باشد و بعد کتاب مقدس تحریف شده را ارائه کنند؟ من معتقد به خدائی هستم که آسمان و زمین را آفریده، خدائی که دانا و تواناست. او که به انسانها کلام خود را داده است قدرت حفظ آن را نیز دارد.

مهدی که همچنان به احمد نگاه می کرد سؤال نمود: احمد، آیا فکر می کنی هر اتفاقی که می افتد مطابق خواسته خداست؟ احمد جواب داد: بله فکر می کنم. مهدی

ادامه داد: آیا واقعا فکر می کنی که خدا نخست کلام خود را بجهان می فرستد بعد تصمیم می گیرد که باید تحریف شود. آیا خدای توانا قادر نیست که کلام خود را حفظ کند؟ احمد جواب داد: البته که خدا قادر است کلام خود را حفظ کند. مهدی گفت: احمد می دانی که کتاب مقدس يك کتاب جالبی است که در يك مدت زمانی در حدود ۱۴۰۰ سال بوجود آمده و شامل تورات، زبور و انجیل و چندین کتاب دیگر که توسط پیامبران و انبیا نوشته شده می باشد. کتاب مقدس بدو قسمت تقسیم شده. عهد عتیق و عهد جدید که مربوط به قبل از تولد مسیح است و عهد جدید که از آمدن مسیح به جهان شروع می شود. کتاب مقدس به سه زبان مختلف نوشته شده. احمد سؤال نمود: به چه زبانهایی؟

مهدی جواب داد: به زبانهای عبری، آرامی و یونانی نوشته شده. برای اینکه خدا کلام

خود را بما برساند افراد مختلفی را مورد استفاده قرار داد. این افراد برخی پادشاه و یا سیاستمدار بودند، برخی دیگر شبان یا ماهیگیر. کتاب مقدس معجزه ای است از جانب خدا، با توجه به اینکه کتب آن در مدت زمان زیادی توسط افراد مختلفی نوشته شده با هم دارای وحدت و هماهنگی بوده و در تمام کتب مختلف کتاب مقدس يك موضوع مشترك وجود دارد و آن موضوع مسیح است.

احمد با تعجب گفت: آیا این يك حقیقت است که خدا در مدت ۱۴۰۰ سال در باره مسیح سخن گفته؟ مهدی با لبخندی گفت: احمد، خدا در تمام تاریخ تا امروز در باره مسیح صحبت کرده. احمد که دچار تردید شده بود گفت: آیا واقعا این ممکن است؟ مهدی جواب داد: بله البته که اینطور است. برای خدا هر چیز ممکن است و ما در دیدار بعدی در این مورد گفتگو خواهیم نمود.

احمد گفت: انشأالله، فعلا خدا حافظ.

قربانی خدا

احمد گفت: می خواهم بدانم که چگونه مسیح موضوع اصلی کتاب مقدس است. مهدی جواب داد: بیاد می آوری وقتی که ما در باره مسیح بعنوان بزه خدا صحبت کردیم. برایت توضیح دادم که او گناهان ما را بدوش کشید؟ احمد گفت: بله، چگونه ممکن است که فراموش کرده باشم. مهدی گفت: خدا در طول تاریخ تا زمان ظهور عیسی در باره قربانی تعلیم داده. احمد گفت: منظورت چیست؟

مهدی سنوال نمود: در زمان قابیل و هابیل چند نفر انسان بر روی زمین بودند؟ احمد

با کمی تعجب گفت: چهار نفر بودند. آدم، حوا، قابیل و هابیل. مهدی گفت: بنابراین تنها چهار انسان بودند، با این وجود آنها فهمیدند که باید خدا را توسط قربانی پرستش کنند. از کجا این مسئله را فهمیدند؟ بله بخاطر اینکه خدا مقدس و پاک است و انسان گناهکار می باشد و احتیاج به قربانی بعنوان فدیة برای گناهانش دارد. حضرت نوح و حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت داود و تمام پیامبران و انبیا بوسیله قربانی خدا را پرستش نمودند.

مهدی اضافه نمود: من هم خدا را بهمان طریق پیامبران و انبیا پرستش می کنم. احمد لبخندی زد و گفت: عجب شوخی بامزه ای تو که به بازار نمی روی تا گوسفندی بخری و بعد آن را قربانی کنی. مهدی جواب داد: من خدا را بوسیله مسیح، بره خدا، که گناه مرا هنگام قربانی شدن بدوش کشید پرستش می کنم. این در کتاب مقدس نوشته

شده: «خدا واحد است، و میان خدا و مردم، انسانی وجود دارد به نام عیسی مسیح که جان خود را فدای تمام بشریت کرد تا با این کار، خدا و انسان را با یکدیگر آشتی دهد.» (۲)
تنها يك خدا وجود دارد و بین ما انسانها و خدا تنها يك واسطه وجود دارد و آن مسیح است که خود را بعنوان فدیة برای همه قربانی کرد حتی برای تو ای احمد. در تمام تاریخ تا امروز انسانها خدای زنده را بوسیله يك قربانی پرستش نموده اند.

احمد گفت: فکر می کنم منظورت را می فهمم. اما لازم است که کمی بیشتر توضیح بدهی تا موضوع را بهتر درک کنم. مهدی کمی فکر نمود و بعد گفت: خدا معنای قربانی را در تمام تاریخ آشکار نمود، مخصوصاً توسط موسی در تورات: «مطابق پیمان اول، تقریباً همه چیز بوسیله خون پاك می گردد و بدون

ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی شود. (۵) احمد با تعجب پرسید: اما چگونه می توان این تعلیم در باره قربانی را به عیسی بن مریم ربط داد؟

مهدی گفت: اینطور است که به موازات با تعلیم درباره معنی قربانی پیامبران پیشگونی هایی در باره مسیح کرده اند که هر زمان او به این جهان آید، بعنوان فدیة قربانی گناهان ما خواهد شد. مهدی کتاب مقدس را جلو آورد و آن را باز نمود و نشان احمد داد و گفت: خودت نگاه کن چه شرح دقیقی اشعیا نبی حدود ۷۰۰ سال قبل از آمدن مسیح در باره قربانی وی نوشته: *داین دردهای ما بود که او به جان گرفته بود، این رنجهای ما بود که او بر خود حمل می کرد؛ اما ما گمان کردیم این درد و رنج مجازاتی است که خدا بر او فرستاده است. برای گناهان ما بود که او مجروح شد و*

برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخمهای او ما شفا یافتیم. ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند، گمراه شده بودیم؛ راه خدا را ترك کرده به راه های خود رفته بودیم. با وجود این، خداوند تقصیرها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت! با او با بی رحمی رفتار کردند، اما او تحمل کرد و زبان به شکایت نگشود. او را مانند بره به کشتارگاه بردند؛ و او همچون گوسفندی که نزد پشم برنده اش بی زبان است، خاموش ایستاد و سخنی نگفت. (۶)

احمد که عمیقا تحت تاثیر گفته های اشعیا نبی قرار گرفته بود با حالت تحمیر گفت: منظورت این است که اینها چندصد سال قبل از تولد عیسی بن مریم نوشته شده؟

مهدی گفت: بله البته بر اساس قول
 پیامبران، مسیح از خاندان داود نبی خواهد
 بود. داود که در حدود ۱۰۰۰ سال قبل از
 مسیح زندگی می کرد. شرح دقیقی درباره
 بصلیب کشیده شدن فرزند آینده خود مسیح
 می دهد. بصلیب کشیدن یکی از روشهای
 اعدام بوده که خیلی زجرآور بود. زیرا پس
 از گذشت زمان کوتاهی بندهای شخص
 مصلوب از هم جدا شده و دچار تشنگی
 شدید می شد. داود نبی می نویسد:
 «نیرویی در من نمانده است. تمام
 بندهای استخوانهایم از هم جدا شده
 اند. دلم مانند موم آب می شود.
 گلویم همچون ظرف گلی خشک شده و
 زیانم به کامم چسبیده. تو مرا به لب
 گور کشانده ای. دشمنانم مانند سگ،
 دور مرا گرفته اند. مردم بدکار و
 شرور مرا احاطه نموده اند. دستها و
 پاهای مرا سوراخ کرده اند. از فرط
 لاغری تمام استخوانهایم دیده می

شوند؛ بدکاران به من خیره شده اند. رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر ردای من قرعه انداختند. (۷) اینها را داود می نویسد. با توجه باینکه در عصر وی مصلوب کردن را بعنوان روش اعدام مورد استفاده قرار نمی دادند زیرا این روش بعدها در عصر مسیح توسط رومیان مورد استفاده قرار گرفت.

احمد سنوال نمود: منظورت این است که تمام این پیشگونی ها درباره عیسی بن مریم به انجام رسیده؟ مهدی جواب داد: بله، نه تنها اینها، بلکه پیشگونی های زیادی که کلمه به کلمه در باره مسیح به انجام رسیده، و مسیح خود چند بار تائید نمود که آمده تا زندگی خود را بعنوان فدیة بدهد، بعنوان مثال چنین گفت: «من نیز که مسیح هستم، نیامده ام تا کسی به من خدمت کند، بلکه آمده ام تا به دیگران کمک کنم و چاتم را در راه آزادی دیگران

حالا احمد، چگونگی تعلیم خداوند در باره قربانی برای بخشش گناه انسان در سراسر کتاب مقدس را متوجه شدی و اینکه چگونه درباره مسیح به انجام رسید؟ احمد گفت: مهدی، قبلا چنین چیزی را نشنیده بودم. خیلی جالب بود، من به وقت بیشتری احتیاج دارم برای اینکه فکر کنم. اما نگران نباش بزودی با سئوالات جدیدی بازخواهم گشت. مهدی گفت: بفرمائید! يك جلد کتاب مقدس را بعنوان هدیه بتو می دهم. بهتر است که با عهد جدید شروع کنی، زیرا درباره زندگی مسیح و معجزات غیر قابل تصور و تعالیم او می باشد. احمد گفت: خیلی متشکرم، من زیاد درباره اهل کتاب شنیده ام اما تاکنون کتاب مقدس آنها را نخوانده ام. و امیدوارم که بتوانم درباره عیسی بن مریم و تعالیم و معجزات او مطالعه نمایم تا دیدار بعدی از تو خداحافظی

می‌کنم.

گناه

احمد به آرامی شروع به صحبت نمود و گفت: مهدی، از دیدار قبلیمان تاکنون درباره اینکه مسیح زندگی خودش را بعنوان فدیة برای گناهان تمام انسانها داده فکر کردم. ولی يك چیز است که من باید بدانم و آن این است که منشا گناه چیست و چگونه است که تمام انسانها مشکل گناه دارند؟ آیا می‌توانی برایم توضیح دهی. مهدی با تدبیر جواب داد: بله، حتما، اما ما باید از ابتدا شروع کنیم تا بتوانیم بفهمیم منشا و سرچشمه گناه چیست. در تورات می‌خوانیم که وقتی خدا انسانها را آفرید آنها را در بهشت جای داد، در بهشت انسانها کاملا پاک بودند و در مشارکت کامل با خدا

زندگی می کردند، اما همانطوریکه می دانی
اتفاقی افتاد که زندگی در بهشت را خراب
نمود، ولی آن اتفاق چه بود؟

احمد گفت: شیطان آمد و همه چیز
را نابود کرد. مهدی گفت: دقیقا
همینطور است! خداوند انسان را ممنوع کرد
از خوردن میوه درخت دانش که نیک و بد
بود و به آنها گفت: «از همه میوه های
درختان باغ بخور، بجز میوه درخت
شناخت نیک و بد، زیرا اگر از میوه
آن بخوری، مطمئن باش خواهی
مرد.» (۹) اما شیطان بشکل ماری آمد و
آدم و حوا را وسوسه کرد، و آنها از فرمان
خدا نافرمانی کرده و از میوه درخت خوردند
و نتیجه آن برای انسان وحشتناک بود.

زیرا گناه وارد زندگی انسان شد لذا تمام
انسانها گناهکار شدند. احمد با تردید
سئوال کرد: آیا واقعا تمام انسانها گناهکار

شدند؟ قبول کردن این مسئله برایم مشکل است. مهدی گفت: انسان دقیقا همانند میوه ای شد، که خورد، او مخلوق عجیبی شد، از نیک و بد. یک انسان بعضی اوقات می تواند بهترین و عالیترین اعمال را انجام دهد و لحظه ای بعد زشت ترین رفتار را. آنوقت ممکن است که حتی هم نوع خود را فریب داده و یا به او خیانت ورزد. انسان می تواند در یک لحظه بعد پر از حسادت و خودخواهی و بی محبتی و خصوصیات دیگر که وابسته به گناه بشود.

احمد همانگونه که گفتی همه انسانها با این مشکل دست و پنجه نرم می کنند. تمام کشورها قوانین را جهت کنترل گناه و اشکال مختلف آن وضع می کنند. بدتر از هر چیز این است که انسان گناهکار نمی شود بعلت اینکه گناه می کند. بلکه در حقیقت او گناه می کند بعلت اینکه او یک گناهکار است. این مانند آن است که یک

کارخانه کوچکی درون انسان بوده که گناه و شرارت را تولید می کند. مگر نه؟

احمد جواب داد: متأسفانه باید شرح و توضیح تو را که درباره انسان دادی تأیید کرده. اما جای شیطان در این جریان کجاست؟ مهدی جواب داد: بله شیطان بوسیله گناه در زندگی انسان نفوذ یافته و بر جامعه نیز مسلط شد، او که زمانی آدم و حوا را اغوا نمود همان نوع فعالیت را نیز امروز ادامه می دهد. و هنوز انسانها را اغوا می نماید. برای اینکه ما در گناه زندگی کنیم. بوسیله گناه شیطان می تواند بر زندگی انسانها تسلط یابد. و دقیقاً همین گناه ما است که ما را از خدا جدا می کند و بعثت گناه است که جهان امروز بدین گونه بنظر می رسد. از طرفی می دانیم که خدا همه چیز را نیکو آفرید. ولی انسان بدی و شرارت را وارد جهان نمود. و از آثار این شرارت و بدی بروز جنگ میان کشورها و

ملتها، فشار و زور بر دیگر انسانها حتی روابط ناسالم میان انسانها و بسیاری بدبختیهای دیگر که زندگی بشر را نابود می کند می باشد. احمد با تعجب گفت: پس منظورت این است که خدا واقعا ما را اینطور نیافریده بلکه بعلت گناه آدم جهان را امروز بدینگونه می بینیم؟

مهدی جواب داد: بله همینطور است. گناه از طریق آدم وارد انسان شد. همانطور که نوشته شده: «وقتی حضرت آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسانها همه گناه کردند.» (۱۰) بدترین نتیجه آن مرگ بود. هم مرگ جسمی هم روحی. احمد با تعجب به مهدی نگاه کرد و گفت: مرگ جسمی و مرگ روحی؟ مرگ روحی دیگر چیست؟

مهدی گفت: بله، خدا به انسان گفت که اگر
 او از میوه ممنوع بخورد خواهد مرد، و از
 آنجائیکه خدا عادل است و بدقولی نمی کند.
 پس مرگ بر انسان مسلط شد بطوریکه تمام
 انسانها خواهند مرد. اما بشر از نظر روحی
 نیز هنگامیکه گناهکار شد دچار موت شد.
 احمد با تعجب پرسید: چگونه؟ مهدی جواب
 داد: بله، نتیجه گناه این شد که انسان از
 بهشت اخراج گردید. او از جانیکه دارای يك
 زندگی پاک بود و مشارکت کامل با خدا
 داشت اخراج گردید و مجبور شد زندگی
 خود را در خارج از بهشت ادامه دهد بشر
 بوسیله گناه از نظر روحی هنگامیکه از
 خدای مقدس و زنده جدا شد مرد، بنابراین
 گناه و شرارت است که انسان را از خدا جدا
 می سازد؛ گناه است که باعث میگردد ما
 انسانها بطور اتوماتیک نتوانیم مشارکت
 نزدیک با خدا داشته باشیم. از آنجائیکه خدا
 پاک و مقدس است نمی تواند با گناه

مشارکت داشته باشد. و به این دلیل است که ما انسانها احتیاج به يك نجات دهنده داریم که ما را از نتیجه تمام گناهان نجات دهد. احمد، فکر می کنی که تمام گناهان تو نوشته شده؟

احمد که کمی هیجان زده شده بود گفت: می دانم که آنها توسط دو فرشته که همراه هر انسان هستند نوشته شده. مهدی گفت: خدا همه چیز را درباره ما می داند. هر عمل خوب و بد، هر کلمه و فکر و هر نیت همه نزد خدا نوشته شده، می دانی کدام کفه ترازو در روز قیامت سنگین تر خواهد بود؟ احمد آهسته گفت: نه، فقط خدا می داند. مهدی به آرامی گفت: احمد خدا تو را دوست دارد. یادت باشد که پره خدا یعنی عیسی بن مریم تمام گناهان ما را بدوش کشید. برای هر چیز بخشش وجود دارد.

احمد کمی بفکر فرو رفت و گفت: اگر

مسیح تا این اندازه مهم است چرا آدم و حوا
 درباره او چیزی نمی دانستند؟ مهدی سنوال
 نمود: اگر بگویم که آدم و حوا نیز درباره
 مسیح اطلاع داشتند حرف مرا قبول می
 کنی؟ احمد گفت: نه، امکان ندارد. مهدی
 گفت: خدا انسان را دوست دارد و مایل به
 مشارکت با وی است. بهمین خاطر از همان
 ابتدا درباره مسیح با آنها صحبت نمود. آدم
 و حوا وعده ای درباره نجات دهنده ای
 یافتند که آن نجات دهنده نیروی شیطان بر
 انسان را در هم خواهد کوبید و تو پاشنه
 ویرا خواهی کوبید. «بین تو و زن، و
 نیز بین نسل تو و نسل زن، خصومت
 می گذارم. نسل زن سر تو را خواهد
 کوبید و تو پاشنه وی را خواهی
 زد.» (۱۱)

در سراسر کتاب مقدس پسران نام خود را
 از پدران می گیرند. مانند اینکه گفته می
 شود پسر ابراهیم، پسر یعقوب و غیره. اما

در اینجا از ذریه زن سخن به میان آمده. نه مرد. یعنی کسی که خواهد آمد پدر ندارد. بلکه فرزند زن می باشد، این فرزند قدرت شیطان بر انسان را درهم خواهد کوبید. و این در حالی است که شیطان مانند يك مار سعی در کشتن پسر زن بوسیله گزیدن پاشنه پای وی را دارد. این دقیقا هنگامیکه عیسی بن مریم زندگی خود را فدای گناهان بنی بشر کرد روی داد. احمد گفت: خیلی جالب است، فکرش را بکن که خدا در همان ابتدا درباره مسیح با نخستین انسانها صحبت نموده. این يك بار دیگر نشان می دهد که موضوع اصلی در کتاب مقدس مسیح است. مهدی تو مطالب زیادی بمن آموختی که باید درباره آنها فکر کنم. اما فعلا با تو خداحافظی می کنم.

پسر ابراهیم

مهدی گفت: من خیلی کنجکاو شده ام و می خواستم نظرت را درباره انجیل بدانم. احمد صادقانه جواب داد: به اعتقاد من کتاب جالبی است. تاکنون مانند آن را نخوانده ام. جالب توجه اینکه در این کتاب می توانیم درباره جزئیات معجزات شگفت انگیز مسیح همچنین تعالیم او برکوه زیتون را که بسیار آموزنده است نیز بخوانیم. تعالیم مسیح در حالی که ساده است بسیار عمیق نیز می باشد. هنگامیکه می گوید ما باید دشمنان خود را دوست داشته باشیم و برای کسانی که بما جفا می رسانند دعای خیر کنیم تقریباً تمام افکار ما را زیر و رو می کند. در ضمن تعالیم او درباره دعا با آنچه که من قبلاً شنیده ام متفاوت است.

من همزمان با اینکه احساس شگفتی می
کنم باید بگویم که تقریباً به اندازه ای که
جواب گرفتم سئوالاتی نیز برایم مطرح
شده. مهدی با لبخندی گفت: جالب است!

بگذار ببینیم اولین سئوالت چیست؟ احمد
گفت: باشد هرطور که تو بخواهی. مثلاً
سئوال من این است که چرا انجیل با شجره
نامه ابراهیم از طریق داود شروع می شود؟
مهدی، پس از لحظه ای فکر کردن گفت: بیاد
داری در صحبتی که قبلاً با هم داشتیم گفتم
یک هماهنگی در تمام کتاب مقدس وجود
دارد. و یک موضوع است، که در سراسر
کتاب مقدس دیده می شود؟

مهدی سئوال نمود: یادت می آید که چه
موضوعی بود؟ احمد جواب داد: مسیح.
مهدی گفت: جواب سئوال تو در رابطه با
همین موضوع است، زیرا بر اساس
پیشگونی ها باید مسیح فرزند داود و فرزند

ابراهیم باشد. احمد به گفته مهدی کمی فکر کرد و گفت: این مسئله جالبی است. می توانی این پیشگونی های مختلف را کمی بیشتر توضیح دهی؟ مهدی پس از مکثی گفت، زمانی، در حدود چهار هزار سال قبل خدا با ابراهیم صحبت نمود و این هنگامی بود که او را ابرام می گفتند. آنچه که خدا به ابراهیم گفت، در بر دارنده يك موضوع تعیین کننده برای تمام بشریت بود. در تورات در این باره می خوانیم که: «خداوند به ابرام فرمود: «ولایت، خانه پدری و خویشاوندان خود را رها کن و به سرزمینی که من تو را بدانجا هدایت خواهم نمود برو. من تو را پدر امت بزرگی می گردانم. تو را برکت می دهم و نامت را بزرگ می سازم و تو مایه برکت خواهی بود. آنانی را که به تو خوبی کنند برکت می دهم، و آنانی را که به تو بدی نمایند لعنت می کنم. همه مردم دنیا از تو برکت

خواهند یافت. (۱۲)

بعبارت دیگر خدا مردی را فرا خواند که فرزندی نداشت با توجه باینکه سالها ازدواج کرده بود. خداوند سرزمینی را به او وعده داد و می خواست از او ملتی بزرگ بوجود آورد. و نام او را بزرگ و مشهور گرداند. تمام اینها با جزئیات به انجام رسید. اما قابل توجه تر از همه وعده ها به ابراهیم همانا وعده آخر بود و آن این بود که: از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت. در حقیقت این وعده درباره مسیح است. بنابراین مسیح فرزند ابراهیم خواهد بود و بوسیله او خدا تمام جهان را برکت خواهد داد.

احمد با تعجب سئوال نمود: اما تو چطور می دانی که این وعده در باره مسیح است نه کس دیگر؟ مهدی جواب داد: اگر قدم بقدم به خواندن تورات ادامه دهیم این مسئله روشن

خواهد شد. ابراهیم بمرور زمان دارای دو پسر شد. همسرش سارا، اسحق را برایش زانید و کنیزك او هاجر برایش اسماعیل را بدنیا آورد. هر چند که خدا اسماعیل را برکت داد. اما قبل از تولد اسحق به ابراهیم وعده داده شد که مسیح از نسل اسحق خواهد بود. آیات زیر در این باره است: «ولی خدا فرمود: «مطمئن باش خود ساره برای تو پسری خواهد زاید و تو نام او را اسحاق (یعنی خنده) خواهی گذاشت. من عهد خود را با او و نسل وی تا ابد برقرار خواهم ساخت. اما در مورد اسماعیل نیز تقاضای تو را اجابت نمودم و او را برکت خواهم داد و نسل او را چنان زیاد خواهم کرد که قوم بزرگی از او به وجود آید. دوازده امیر از میان فرزندان او بر خواهند خاست. اما عهد خود را با اسحاق که ساره او را سال دیگر در همین موقع برای تو

خواهد زایید، استوار می
سازم. (۱۳)

احمد گفت: بله، اسماعیل که خدا او را
برکت داد، جد ما عرب ها می باشند. اما
حتی ما مسلمانان می دانیم که خدا بسیاری
از پیامبران و انبیا را از خاندان اسحق
برگزیده. مهدی ادامه داد: اسحق دارای دو
پسر شد، یکی عیسو و دیگری یعقوب. خدا
در رویائی به یعقوب نشان داد که مسیح از
نسل وی خواهد بود، به آیات زیر توجه کن:
«... من خداوند، خدای ابراهیم و
خدای پدرت اسحاق هستم. زمینی که
روی آن خوابیده ای از آن توست. من
آن را به تو و نسل تو می بخشم.
فرزندان تو چون غبار، بی شمار
خواهند شد! از مشرق تا مغرب، و از
شمال تا جنوب را خواهند پوشانید.
تمامی مردم زمین توسط تو و نسل تو
برکت خواهند یافت.» (۱۴)

احمد گفت: قابل توجه اینکه، وقتی که خدا با یعقوب صحبت نمود. بخشهایی از وعده هایی را که به ابراهیم داده بود تکرار نمود. مهدی گفت: بستگی باین دارد که آیا حقیقتاً مربوط بهمان وعده است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود یا نه. ولی احمد تو می بینی که بوسیله فرزندی از یعقوب خداوند تمام قبایل را در روی زمین برکت خواهد داد.

احمد جواب داد: بله می توانم پیش بینی کنم که موضوع اصلی کتاب مقدس مجدداً مسیح خواهد بود. مهدی گفت: بله، همینطور است. در میان بنی اسرائیل بعد از قبایل زیادی پیدا شدند. از طرفی مسئله این است که دوباره خدا حضرت داود را همینطور برمی گزینند. و با او عهد می بندند. و در پیشگویی های زیادی نیز آمده که مسیح از خاندان همین داود خواهد بود. اشعیا نبی که

پیشگوئی خاندان یسی را که بیک درخت
 قطع شده تشبیه نموده. باید دانست که یسی
 نام پدر حضرت داود است. و طبق پیشگوئی
 از خاندان همین یسی کسی خواهد آمد که
 روح خدا بر او قرار خواهد گرفت. او
 مسکینان را به عدالت داور می خواهد نمود. و
 حکومتی را برپا خواهد داشت که مانند
 بهشت خواهد بود. و در این دولت و
 پادشاهی همه خداوند را خواهند شناخت.
 اشعیا نبی می نویسد: «درخت خاندان
 داود بریده شده است؛ اما یک روز
 کننده آن جوانه خواهد زد؛ بلی، از
 ریشه آن «شاخه ای» تازه خواهد
 رویید. روح خداوند بر آن «شاخه»
 قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت
 و فهم، روح مشورت و قوت، و روح
 شناخت و ترس از خداوند خواهد
 بود... بلکه از حق فقرا و مظلومان
 دفاع خواهد کرد و از بدکارانی که بر
 ایشان ظلم می کنند انتقام خواهد

گرفت... در آن روز، آن پادشاه
نوظهور خاندان داود پرچم نجاتی
برای تمام قوم ها خواهد بود و مردم
بسوی او خواهند آمد و سرزمین او
از شکوه و جلال پر خواهد شد. (۱۵)

احمد گفت: ببینم درست فهمیدم، بعبارت
دیگر خدا مشخص نموده که مسیح فرزند
ابراهیم، فرزند اسحق و فرزند یعقوب و
فرزند داود خواهد بود. مهدی با لبخندی
جواب داد: دقیقاً همینطور است! و هنگامی
که ما انجیل را مطالعه می نمائیم مشاهده
می کنیم که طبق پیشگونی ها مسیح متولد
شده. بهمین خاطر است که انجیل با شجره
نامه شروع می شود که نشان دهد مسیح
همان پسر ابراهیم و پسر داود است. احمد
گفت: و باز هم معلوم شد که موضوع اصلی
کتاب مقدس در حقیقت همان عیسی بن
مریم است. اما تا دفعه بعد که گفتگویمان را
ادامه می دهیم با تو خداحافظی می کنم.

خدا واحد است !

احمد در حالی که سه انگشت را بالا گرفته بود از مهدی سؤال نمود چه می بینی؟ مهدی که فهمیده بود منظور احمد از این کار چیست، با لبخندی جواب داد: من سه انگشت را می بینم. احمد سؤال نمود: مهدی، تو معتقدی که خدا یکی است یا سه؟ مهدی گفت: شاید درست نفهمیدی که من چطور فکر می کنم. باید متوجه باشی که من بخدای واحد ایمان دارم. خدائی که آسمانها و زمین را آفرید و توانا و دانا است و همه جا حضور دارد. می دانی که ایمان من از کتاب مقدس سرچشمه می گیرد. و کلام خدا می گوید که خدا واحد است. این حقیقت در بسیاری از آیات کتاب مقدس نوشته شده. احمد گفت: اما خدا نمی تواند در حالیکه يك است سه نیز باشد. و بعد دوباره سه انگشت

خود را بالا گرفت و گفت : $2=1+1+1$ و نه ۱
(يك).

مهدی سنثوال نمود: احمد تو چند نفر هستی؟ آیا تو يك نفر هستی یا دونفر؟ احمد جواب داد: معلوم است که من يك نفر هستم. مهدی گفت: خدا تو را با يك جسم و يك روح آفریده. و بعد به آرامی سنثوال نمود: آیا جسم تو احمد است؟ احمد جواب داد: بله البته. مهدی سنثوال نمود: اما روح تو چی، آیا آن نیز احمد است؟ احمد که متوجه شده بود که مهدی چه می خواهد بگوید گفت بله مهدی چنین ادامه داد: چرا برای خدا غیرممکن است که سه باشد در يك در حالی که ما را دو وجود در يك آفریده؟

مهدی پس از کمی مکث ادامه داد: فرض کن که خدا يك ترکیب واحدی است که خود را در سه شخصیت نمایان ساخته پس $1 \times 1 \times 1$ چند می شود احمد؟ احمد به آهستگی جواب داد:

يك ، اما عيسى بن مريم تنها يك انسان است نه پسر خدا، آیا تو معتقدی که مسیح پسر خدا می باشد؟ مهدی جواب داد: تو فکر می کنی که من به چه معتقدم؟ احمد گفت: دقیقا نمی دانم اما فکر می کنم که تو معتقدی که خدا با مریم باکره رابطه ای داشته و لذا آنها دارای يك پسر شدند. مهدی با صدای رسا گفت: استغفرالله ، به هیچ عنوان باین شکل معتقد نیستم و کسی را نمی شناسم که معتقد به چنین مسئله ای باشد و از طرفی تابع مسیح نیز باشد.

احمد که متعجب شده بود سنوال نمود: پس چطور معتقدی؟ مهدی گفت: من معتقدم که خدا ابدی است. و از ازل قبل از آفرینش بوده. وقتی که انجیل می خواهد توضیح دهد که مسیح کیست. با تولد او در این دنیا آغاز نمی کند. بلکه انجیل از ازل شروع می کند، یعنی قبل از خلقت جهان در انجیل چنین آمده: «در ازل، پیش از آنکه

چیزی پدید آید، «کلمه» وجود داشت و نزد خدا بود. او همواره زنده بوده، و خود او خداست. هر چه هست بوسیله او آفریده شده و چیزی نیست که آن را نیافریده باشد. زندگی جاوید در اوست و این زندگی به تمام مردم نور می بخشد. (۱۶)

بنا بر این خدا جهان را توسط کلمه خود آفرید، مگر نه؟ احمد جواب داد: بله، درست است. خدا فرمود: باش، پس موجود شد (کن فیکون). مهدی گفت: بنا برین خدا جهان را بوسیله کلمه خود آفرید. این کلمه که از خدا صادر شده به عبارت دیگر بخشی از خدا بود که پر بود از نیروی خلقت خدا و تمام خصوصیات او. احمد گفت: بله، درست است، اما معنی «کلمه خدا بود» چیست؟

مهدی گفت: اگر من در يك دادگاه شهادت بدهم نمی شود فرق گذارد بین من و گفته

من، کلمات من معرف من و بخشی از من است. زمانی که تو و من اینجا نشستیم و با هم گفتگو می‌کنیم کلمات و گفته‌ها بخشی از خودمان است. بطوری که ما از جانب اقوال و گفته‌هایمان مشخص می‌شویم. وقتی خدا کهکشانش را خلق نمود کلمه و گفته او بود که با خود صحبت نمود. لذا نمی‌توان فرق بین خدا و کلمه او گذاشت. این کلمه ابدی خدا، که یکی است با او و شامل تمام خصوصیات او خود را در عیسی بن مریم نمایان ساخت. بهمان گونه که در کتاب مقدس آمده: «کلمه خدا انسان شد و بر روی این زمین و در بین ما زندگی کرد. او لبریز از محبت و بخشش و راستی بود. ما بزرگی و شکوه او را به چشم خود دیدیم، بزرگی و شکوه فرزند بی نظیر پدر آسمانی ما، خدا.» (۱۷)

همه خصوصیات که خدا درباره خود فرموده

در مسیح آشکار گردید. وقتی که دیدند چگونه مسیح پاک است، در حقیقت خداست خدا را در او دیدند زیرا می دانیم که خدا مقدس است. وقتی دیدند که چگونه او بر روی آب راه رفت و طوفان را امر نمود که آرام گیرد، نان را از هیچ درست نمود، نابینایان را بینا و مردگان را زنده نمود. آنگاه بود که قدرت و جلال خدا را در او دیدند. احمد با سماجت پرسید: اما چگونه خدائی را که همه جا حضور دارد می توان او را بیک انسان محدود نمود؟ مهدی گفت: احمد فرض کن که ما در دریائی بی پایان هستیم و ما لیوانی را درون دریا فرو برده و آن را پر از آب می نمائیم. اگر ما آب را مورد تجزیه قرار دهیم، متوجه می شویم که آب درون لیوان دقیقا همان خصوصیات آب درون دریا را دارد. در مورد مسیح هم همینطور است.

خدای ابدی و خدای قادر مطلق همه جا

هست. همزمان خود را در مسیح نمایان می کند. با همان خصوصیات و قدرت اما خدا برای اینکه در مسیح خود را آشکار می نماید محدود نمی شود. و هنوز بی پایان است. احمد گفت: اما خدا نمی تواند خود را در انسانی آشکار نماید. مهدی سؤال نمود: چگونه ما می توانیم خدا را محدود نماییم و بگوئیم که خدا قادر مطلق و توانا نیست. آیا او هر کاری را نمی تواند بکند؟ احمد جواب داد: بله، البته که او قادر به هر کاری است. اما نمی توانم قبول نمایم که او خود را در انسانی آشکار نماید.

مهدی گفت: خوب است که ما در این باره هم عقیده ایم که برای ما مشکل است، اما نه برای خدا، بلکه خدا قادر به هر کاری است که خود می خواهد، تو خودت می دانی که خدا در بوته ای مشتعل خود را نمایان ساخت، و از درون بوته با موسی سخن گفت. وقتی که احمد متوجه شد از اینکه

خدا خود را در انسانی آشکار نماید نمی تواند مشکل تر از این باشد که خود را در بوته ای نمایان سازد، به خود خندید. مهدی چنین ادامه داد: فکرش را بکن احمد، واقعا او کیست که کلمه خدا، روح خدا خوانده می شود. حتی روح خدا با خود خدا یکی است. ما می دانیم که روح خدا بر مریم باکره قرار گرفت و او حامله شد. و مسیح را زانید. بهمانطریقی که جبرئیل فرشته باو گفت: «روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.» (۱۸)

سئوال این است که ، او کیست که بدینطریق باین جهان آمد؟ فرض کن احمد، که تو در زمان مسیح پزشک بودی، و ماموریت می یافتی که گواهی تولد برای مسیح بنویسی نام او را چه می نوشتی؟ احمد گفت: می نوشتم عیسی بن مریم،

مهدی سؤال نمود: و اسم مادر؟ احمد گفت:
مریم باکره. مهدی با لبخند گفت: حال بنام
پدرش می رسیم. احمد نیز با لبخند جواب
داد: او پدر نداشت.

مهدی گفت: بله، معلوم است و ما می توانیم
جای آن را خالی بگذاریم زیرا که او پدری
زمینی نداشت و یا اینکه ما می توانیم
از خود سؤال کنیم، او از کجا می آید؟
منشا او کجاست که کلمه و روح خدا خوانده
می شود؟ او واقعا کیست که در آسمان پائین
آمد؟ او خودش گفت: «این نان حقیقی
را خدا از آسمان فرستاده است تا به
مردم دنیا زندگی جاوید ببخشد.
گفتند: «آقا، از این نان هر روز به
ما بده.» عیسی جواب داد: «این نان
حقیقی، خود من هستم. هر که نزد من
آید، دیگر گرسنه نخواهد شد و
کسانی که به من ایمان آورند، هرگز
تشنه نخواهند گردید.» (۱۹) « آن نان

زنده که از آسمان نازل شد، منم. هر
که از این نان بخورد، تا ابد زنده می
ماند. این نان در واقع همان بدن من
است که خدا می کند تا مردم نجات
یابند. (۲۰)

احمد، او آمد تا جان خود را بعنوان قربانی
برای تمام انسانها بدهد. آنکه نان معمولی
بدست می آورد، حیات جسمی می یابد. اما
آنکه نان خدا را که از آسمان آمده بپذیرد
حیات روحانی و حیات ابدی یابد. آنکه به
مسیح ایمان دارد و او را می پذیرد يك
زندگی بدست خواهد آورد که آرزو و
اشتیاق درونی اش بخدا را ارضا می کند.
من خود تجربه کرده ام. احمد، وجود مسیح
نعمتی است از جانب خدا به تو. احمد به
آرامی گفت: من هنوز برای این آمادگی
ندارم. افکار زیادی در سر من می باشد. من
فکر می کنم کاملاً ایمان و اعتقاد تو را
درباره خدا درك نکرده ام. و نمی توانم بفهمم

که چگونه خدا خود را در مسیح نمایان ساخت. می دانی که من قلبا مسیح را دوست دارم اما هنوز چند سؤال دارم. ولی آنها را می گذاریم برای دفعه بعد. مهدی جواب داد ، بنابراین تا دیدار بعد با تو خدا حافظی می کنم.

خدا و انسان

احمد گفت: من تقریبا تمام وقت درباره آنچه که ما دفعه قبل صحبت نمودیم فکر کردم. نخست می گوئی که عیسی بن مریم انسان است ، بعد می گوئی که خدا در او خود را نمایان ساخت، واقعا او کیست؟ آیا اینطور نیست که شما مسیح را تبدیل به پسر خدا نموده اید، با وجود اینکه او پسر مریم است؟ مهدی جواب داد: می دانی احمد، پاسخ این سؤال کلید زندگی جاوید با خدا است. در

اینجا و در ابدیت اگر ما انسانی را تبدیل بخدا می نمودیم دچار شرك می شدیم. اما کتاب مقدس درباره پسر خدا می فرماید که خود را همانند يك انسان ظاهر ساخت نه برعکس در اینکه مسیح بعنوان يك انسان زاده شد همه ما هم عقیده ایم. بر حسب پیشگونی هایی که مدتها قبل از تولد مسیح شده خدا تعلیم می دهد که مسیح بنزد ما خواهد آمد.

احمد با تعجب پرسید: منظورت این است که پیامبران و انبیا قبل از مسیح گفته اند که خدا خودش را در مسیح ظاهر می سازد؟ مهدی گفت: موضوع اصلی کتاب مقدس مسیح است. بهمین علت نباید تعجب نمایم که خدا حقیقت را درباره مسیح مدتها قبل توسط انبیا اعلام نموده باشد. احمد خواهش نموده گفت: بمن نشان بده، زیرا خیلی علاقمندم. مهدی کمی فکر نموده گفت: حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد، خدا بر میکای نبی

ظاهر شد و گفت که مسیح در شهر بیت لحم متولد خواهد شد و از طرفی فاش نمود که مسیح مدتها قبل از تولدش وجود داشته: «ای بیت لحم افراته، هر چند که در یهودا روستای کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود.» (۲۱)

و مسیح در شهر بیت لحم متولد شد، همانگونه که در انجیل نوشته شده است: «از اینرو، یوسف نیز از شهر ناصره در استان جلیل، به زادگاه داود پادشاه یعنی بیت لحم در استان یهودیه رفت زیرا او از نسل داود پادشاه بود. مریم نیز که در عقد یوسف بود و آخرین روزهای بارداری خود را می گذراند، همراه او بود. هنگامی که در بیت لحم بودند، وقت

وضع حمل مریم فرا رسید، و نخستین
فرزند خود را که پسر بود، بدنیا آورد
و او را در قنذاقی پیچید و در
آخوری خوابانید، زیرا در مسافرخانه
انجا برای ایشان جا نبود. (۲۲)

سئوال اینست که او کیست که مدتها قبل از
تولدش وجود داشته؟ او خودش به یهودیان
خشمگین اهل اورشلیم گفت: «جد شما
ابراهیم شادی می کرد از اینکه يك
روز مرا ببیند. او می دانست که من
به این جهان خواهم آمد؛ از این جهت
شاد بود. سران قوم فریاد زدند: «چه
می گویی؟ تو حتی پنجاه سال نیز
نداری و می گویی ابراهیم را دیده
ای؟» عیسی به ایشان فرمود: «این
حقیقت محض است که قبل از اینکه
حتی ابراهیم به این جهان بیاید، من
وجود داشتم.» (۲۳) ما می دانیم که
ابراهیم حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می

زیست. احمد گفت: بنابراین، مسیح خود ادعا نمود که او مدتها قبل از تولدش وجود داشته. اما در کدامیک از کتب انبیا نوشته شده که خدا خود را در مسیح آشکار می کند؟

مهدی گفت: در چندین جا نوشته شده. اشعیا نبی درباره آمدن شخصی از همان منطقه ای که عیسی بن مریم بزرگ شد سخن گفته است. او سلطنتی ابدی برپا خواهد نمود که صلح و آرامش الهی از علامت مشخصه آن است. او خود که فرزند داود است تا ابد بر آن حکومت خواهد نمود. اشعیا نبی شرح می دهد که مسیح کیست: «زیرا فرزندی برای ما بدنی آمده! پسری بمانما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او «عجیب»، «مشیر»، «خدای قدیر»، «پدر جاودانی» و «سرور سلامتی» خواهد بود. او بر تخت پادشاهی داود خواهد

نشست و بر سرزمین او تا ابد
سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را
بر عدل و انصاف استوار خواهد
ساخت، و گسترش فرمانروایی صلح
پرور او را انتهای نخواستند بود.
خداوند قادر متعال چنین اراده
فرموده و این را انجام خواهد
داد. (۲۴)

ما می دانیم که عناوین و نامهایی که خدا
بکسی می دهد در حقیقت شرح می دهد که
آن شخص کیست بنابراین سؤال من این
است که او کیست که بنامهای عجیب، مشیر
خدای قدیر، پدر سرمدی و سرور سلامتی
خوانده می شود؟ احمد سؤال نمود: آیا
واقعا در کتاب مقدس آمده که خدا شخصا
باین جهانی که خلق نموده خواهد آمد؟ مهدی
گفت: یحیی بن زکریا همزمان با مسیح می
زیست. او از جانب خدا فرستاده شده بود که
راه را برای مسیح مهیا سازد. وقتی که از

یحیی سئوال نمودند که تو کیستی و برای چه خدا ترا فرستاده؟ جواب آنها را با اقتباس از فصل چهارم کتاب اشعیا نبی بدین طریق داد: «صدایی می شنوم که می گوید: «راهی از وسط بیابان برای آمدن خداوند آماده کنید. راه او را در صحرا صاف کنید. دره ها را پر کنید؛ کوه ها و تپه ها را هموار سازید؛ راه های کج را راست و جلاده های ناهموار را صاف کنید. آنگاه شکوه و جلال خداوند ظاهر خواهد شد و همه مردم آن را خواهند دید. خداوند این را وعده فرموده است.» (۲۵)

تصویر اشعیا نبی نشانگر دیدار پادشاهی بزرگ است، که راهی هموار در بیابان برایش ساخته خواهد شد. اما احمد این پادشاه کیست که قرار است بیاید؟ احمد به آرامی گفت: بله، طبق گفته اشعیا نبی او پروردگار خدای ما می باشد. مهدی ادامه

داد: اگر بدنباله آیات فوق ادامه دهیم
 تصویرروشنتری دیده می شود. زیرا چنین
 آمده: «ای قاصد خوش خبر، از قلعه
 کوه، اورشلیم را صدا کن. پیامت را
 با تمام قدرت اعلام کن و نترس. به
 شهرهای یهودا بگو: «خدای شما می
 آید» بلی، خداوند می آید تا با قدرت
 حکومت کند. پاداشش همراه او است
 و هر کس را مطابق اعمالش پاداش
 خواهد داد. او مانند شبان، گله خود
 را خواهد چرانید؛ بره ها را در
 آغوش خواهد گرفت و میشها را با
 ملایمت هدایت خواهد کرد.» (۲۶)
 مسیح حقیقتاً چون يك شبان برای همه
 ایمانداران بود. او درباره خودش فرمود:
 «من شبان خوب و دلسوزم. شبان
 خوب از جان خود می گذرد تا
 گوسفندان را از چنگال گرکها نجات
 دهد.» (۲۷)

اما احمد ، واقعا او کیست که طبق فرموده انبیا همچون شیطان آمد؟ احمد جواب داد: باید اعتراف کنم که او همانند خدا توصیف شده. مهدی ادامه داد: احمد، همانطور که متوجه می شوی، تمام این پیشگوئی ها درباره مسیح در عیسی بن مریم بانجام رسید. قبل از اینکه مسیح متولد شود، جبرئیل فرشته به زکریا، پدر یحیی تعمیم دهنده، ظاهر شد و برای زکریا توضیح داد که او دارای پسری خواهد شد که دارای ماموریت مخصوصی خواهد بود. جبرئیل فرشته چنین گفت: «... حتی پیش از تولد، از روح القدس پر خواهد بود! بسیاری از بنی اسرائیل توسط او بسوی خداوند، خدای خود بازگشت خواهند نمود. او خدمت خود را با همان روح و قدرت الیاس، آن نبی قدیم انجام خواهد داد. او پیشاپیش مسیح خواهد آمد تا مردم را برای ظهور او آماده کند و به آنها بیاموزد

که همچون اجداد خویش خداوند را
دوست داشته و مردم خدا ترسی
باشند. (۲۸)

او کیست که طبق گفته انجیل یحیی تعمید
دهنده قبل از او خواهد آمد؟ احمد جواب
داد: پروردگار، خدای آنها. مهدی گفت: وقتی
یحیی تعمید دهنده تازه متولد شده بود،
اینطور زکریا درباره فرزندش نبوت نمود:
«و تو ای فرزندی نبی خدای تعالی
نامیده خواهی شد، زیرا پیشاپیش
خداوند حرکت خواهی کرد تا راه او
را آماده نمایی، و قوم او را آگاه
سازی که با آمرزش گناهانشان نجات
خواهند یافت. اینها، همه به سبب
رحمت و شفقت بی پایان خدای
ماست. بزودی سپیده صبح از افق
آسمان بر ما طلوع خواهد کرد تا بر
کسانی که در تاریکی و سایه مرگ
ساکن هستند، بتابد و همه ما را به

سوی آرامش و صفا هدایت
نماید. (۲۹)

احمد، می بینی که یحیی بن زکریا براساس قول اشعیا نبی و جبرئیل فرشته و پدرش زکریا قبل از خداوند می آید و آنکس که می آید خود خدا می باشد. احمد بطور جدی گفت: بله می بینم، و من فکر می کنم هنگامی که مسیح واقعا آمد تمام اینها تأیید شد. مهدی جواب داد: بله، جزء به جزء وقتی مریم باکره مسیح را در شهر داود یعنی بیت لحم به دنیا آورد آنوقت فرشته خداوند خود برچند شبان در بیرون شهر ظاهر شد و به آنها گفت: «نترسید! من حامل مژده ای برای شما هستم، مژده ای برای همه مردم! و آن اینست که همین امروز مسیح، خداوند و نجات دهنده شما، در شهر داود چشم به جهان گشود» (۳۰) اینک مسیح خود خداوند است، بدفعات در انجیل تأیید شده. او خود چنین گفت:

«من و پدرم خدا یکی
هستیم.» (۳۱)

احمد گفت: من از همان ابتدا به عیسی بن
مریم علاقه زیاد داشتم و برایش احترام
قائل بودم. اما حالا فکر می‌کنم که برای
نخستین بار تصویر کاملی از او می‌بینم و
اینکه واقعا مسیح کیست و چرا او باین دنیا
آمد. مهدی، من خیلی از تو متشکرم که
وقتت را صرف توضیح این موضوع برای
من کردی. مهدی بطور جدی گفت: احمد،
بوسیله ایمان به مسیح خدا همه چیز را
بخشیده و بعا زندگی جاوید می‌دهد. مسیح
که خود بر مرگ پیروز شد و مردگان را
زنده نمود فرمود: «آن کسی که مردگان
را زنده می‌کند و به ایشان زندگی
می‌بخشد، من هستم. هر که به من
ایمان داشته باشد، اگر حتی مانند
دیگران بمیرد، بار دیگر زنده خواهد
شد. و چون به من ایمان دارد، زندگی

جاوید یافته، هرگز هلاک نخواهد
شد. (۲۲)

احمد، می خواهی این هدیه خداوندی را از طریق ایمان به مسیح بپذیری؟ احمد که اشک در چشمانش جمع شده بود گفت، بله. من احساس می کنم که او همین الان بر در قلب من ایستاده و می گوید. چگونه می توانم هدیه خداوند را بپذیرم؟ مهدی گفت: آسان است با زبان خود به درگاه خدا دعا و همه چیز را اعتراف کن. با وجود اینکه او همه چیز را درباره ما می داند. آمرزشش را بوسیله قربانی مسیح بپذیر. دعا کن که خدا توسط روح خود وارد زندگیت شده و به تو نیرو دهد تا بتوانی مسیح را همانند شاگرد او پیروی کنی. بنام مسیح دعا کن، او که توسط قربانی خودش واسطه است بین تو و خدای پدر.

وقتی که تو بدین طریق بوسیله ایمان

مسیح را بعنوان هدیه خداوند می پذیری،
 معجزه ای در زندگی تو روی خواهد داد.
 کتاب مقدس می فرماید که تو از نو متولد
 می شوی. یک زندگی جدیدی را از خدا
 خواهی یافت. دارای یک مشارکت شخصی
 جدید توسط مسیح با خدا خواهی شد.
 بهمین خاطر خدا پدر تو و تو فرزند خدا
 خواهی شد. همانطور که درباره همه کسانی
 که مسیح را می پذیرند در انجیل آمده:
 «اما او به تمام کسانی که به او ایمان
 آوردند، این حق را داد که فرزندان
 خدا گردند؛ بلی، فقط کافی بود به او
 ایمان آورند تا نجات یابند.» (۲۲)

وقتی که احمد و مهدی با هم دعا نموده و خدا
 را شکر کردند، مهدی با لبخندی گفت به
 خانواده خوش آمدی. ما حال توسط مسیح
 در خانواده بزرگ خدا برادر هستیم. احمد با
 خوشحالی زیاد گفت: چطور می توانم از تو
 تشکر کنم. مهدی جواب داد: از خدا تشکر کن

و هر روز نیز این کار را انجام بده. در پی
مشارکت با دیگران که مانند تو از مسیح
پیروی می کنند باش.

حالا می توانی دعائی را که مسیح به
شاگردانش یاد داد بخوانی: «ای پدر ما که
در آسمانی، نام مقدس تو گرامی باد.
ملکوت تو برقرار گردد. خواست تو
آنچنان که در آسمان مورد اجراست،
بر زمین نیز اجرا شود. نان روزانه ما
را امروز نیز بما ارزانی دار. خطاهای
ما را بیامرز چنانکه ما نیز آنان را
که به ما بدی کرده اند، می بخشیم. ما
را از وسوسه ها دور نگاه دار و از
شیطان حفظ فرما؛ زیرا ملکوت و
قدرت و جلال تا ابد از آن توست.
آمین.» (۲۴)

فهرست آیات کتاب مقدس

۱. رومیان ۶: ۲۳
۲. یوحنا ۱: ۲۹
۳. مکاشفه ۳: ۲۰
۴. اول تیموتائوس ۲: ۵-۶
۵. عبرانیان ۹: ۲۲
۶. اشعیا ۴: ۵۳-۷
۷. مزامیر ۱۴: ۲۲-۱۸
۸. مرقس ۱۰: ۴۵
۹. پیدایش ۲: ۱۶-۱۷
۱۰. رومیان ۵: ۱۲
۱۱. پیدایش ۳: ۱۵
۱۲. پیدایش ۱۲: ۱-۳
۱۳. پیدایش ۱۷: ۱۹-۲۱
۱۴. پیدایش ۲۸: ۱۳-۱۴
۱۵. اشعیا ۱: ۱۱-۲، ۴، ۱۰
۱۶. یوحنا ۱: ۱-۴
۱۷. یوحنا ۱: ۱۴

١٨. لوقا ١:٢٥
١٩. يوحنا ٦:٢٣-٢٥
٢٠. يوحنا ٦:٥١
٢١. ميكاہ ٥:٢
٢٢. لوقا ٢:٤-٧
٢٣. يوحنا ٨:٥٦-٥٨
٢٤. اشعياہ ٩:٦-٧
٢٥. اشعياہ ٤:٢-٥
٢٦. اشعياہ ٤:٩-١١
٢٧. يوحنا ١:١١
٢٨. لوقا ١:١٥-١٧
٢٩. لوقا ١:٧٦-٧٩
٣٠. لوقا ١:١٠-١١
٣١. يوحنا ١:١٠-٣٠
٣٢. يوحنا ١١:٢٥-٢٦
٣٣. يوحنا ١:١٢
٣٤. متى ٦:٩-١٣